

تأثیر عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری و وجه تسمیه «رشت»

محمد محمودپور^۱

ندا گلیجانی مقدم^۲

سمانه خلیلی‌فر^۳

چکیده

بررسی جغرافیای تاریخی شهرها، چه به معنای تأثیر جغرافیا بر حوادث تاریخی و چه به معنای بررسی نام‌گذاری آنها، در زمره پژوهش‌های تاریخی است که به مورخ کمک می‌کند با استفاده از این روش، افزون بر تحلیل داده‌های تاریخی و ارائه اطلاعات جدید، صحت و سقم برخی دیدگاه‌ها و تحقیقات مشهور را بررسی کند. در تحقیقات جدید درباره تاریخ شکل‌گیری و نام‌گذاری شهر رشت، اختلاف نظر وجود دارد. به باور برخی، قدمت این شهر به آغاز دوره صفوی می‌رسد و بر این اساس، واژه «رشت» را ماده تاریخ تأسیس آن می‌دانند.

در این نوشتار، ابتدا با استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی، چگونگی تأسیس و شکل‌گیری شهر رشت مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشخص می‌شود که برخلاف دیدگاه رایج و مشهور، رشت از آبادی‌های کهن گیلان بوده و دست کم از قرن چهارم هجری وجود داشته است. سپس با بهره‌گیری از زبان‌شناسی، دیدگاه‌های گوناگون مورخان، جغرافی‌دانان و لغت‌نامه‌نویسان درباره واژه رشت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و از میان دیدگاه‌های مطرح شده درباره وجه تسمیه این واژه، مشخص می‌شود جاینامه رشت، برگرفته از موقعیت جغرافیایی آن بوده و ماده تاریخ پنداشتن آن اشتباه است.

واژگان کلیدی

گیلان، رشت، شهرهای اسلامی، جغرافیای تاریخی رشت، نام‌گذاری رشت.

۱. استادیار گروه جغرافیای بنیاد دائرة المعارف اسلامی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهراء. n.moghaddam@alzahra.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Samane.khalilifar@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۷

رشت از مهم‌ترین شهرهای ایران اسلامی است که از دوره صفوی تاکنون، مرکز گیلان بوده و در عصر قاجار به‌ویژه دوره مشروطیت، در کنار تبریز بیشترین تأثیر را در تحولات آن دوره ایران داشته است. این شهر به واسطه موقعیت ممتاز جغرافیایی، از نظر سیاسی، تجاری و اقتصادی ناحیه‌ای متمایز در جلگه گیلان به شمار می‌آمده است. شهر رشت از جمله شهرهای بزرگ ایران است که در میان دو رودخانه زرجوب در مشرق و گوهررود در مغرب، که هر دو به مرداب انزلی می‌ریزند، بنا شده است.

شهرستان رشت با وسعتی حدود ۱۳۷ کیلومتر مربع، تقریباً در مرکز جلگه گیلان واقع شده است. این شهرستان دشتی آبرفتی و هموار است که از جانب شمال به دریای خزر و مرداب انزلی، از غرب به رودخانه پسیخان و شهرستان صومعه‌سرا و فومن، از جنوب به شهرستان رودبار و از شرق به شهرستان لاهیجان محدود است (ر.ک: نقشه سیاحتی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۹۰؛ نقشه سیاحتی و گردشگری شهر رشت، ۱۳۹۳؛ جعفری، ۶۱۲/۳؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ۱۹۰/۱۶). بنابر نظر برخی گیلان‌شناسان، بنای اولیه رشت به صورت یک آبادی با بافت روستایی، به قبل از میلاد مسیح و به قوم گیل و دیلم نسبت داده می‌شود (اصلاح عربانی، ۸۹/۴). با توجه به این‌که رشت در مرکز جلگه گیلان قرار گرفته است، استعداد زیادی برای رشد و توسعه داشت؛ اما چون تا قرون میانه اسلامی به علت آشفتگی‌های سیاسی منطقه، بیشتر شهرهای مهم گیلان برای برخورداری از امنیت در کوه‌پایه‌ها قرار داشتند، آبادی رشت نیز چندان رشد و توسعه پیدا نکرد (Bromberger, 2011, "RASHT", IRANICA). با توجه به مطالب فوق، تردیدی نیست که رشت سابقه‌ای دیرینه دارد و یکی از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی در جلگه گیلان است؛ اگرچه برخی از مظاهر تاریخی و طبیعی آن به سبب صنعتی‌شدن از بین رفته است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ۱۹۰/۱۶؛ ستوده، ۲۴۷؛ Rabino, 69؛ لاهیجانی، ۲۲۰).

مؤلف «حدودالعالم من المشرق الی المغرب» در قرن چهارم، از رشت با عنوان ناحیه‌ای بزرگ یاد کرده است. رشت تا دوره صفویه جزو بیه‌پس (گیلان غربی) با مرکزیت شهر فومن بود. در این دوره، با انتخاب شهر رشت برای مرکزیت ولایت

گیلان به دستور شاه عباس صفوی، این شهر رو به توسعه نهاد و گوی سبقت را از دیگر رقبای خود نظیر لاهیجان و فومن ربود. مخصوصاً با توجهی که شاهان صفوی به مزارات و مقابر بزرگان شیعه، نظیر آقا سید ابوالقاسم و استاد ابوجعفر نشان دادند، محلات رشت رو به آبادانی نهاد (فومنی، ۱/۴۸۷؛ Olearius, 291). پس از آن با انعقاد قراردادهای متعدد تجاری بین ایران و دولت‌های خارجی، خصوصاً روسیه، رشت به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای تجاری ایران در دوره صفوی و قاجار درآمد. رشت در این ایام به سبب مرکزیت در کرانه‌های جنوبی دریای خزر به «دارالمرز» معروف شد. «دروازه اروپا» و «شهر باران‌های نقره‌ای با بام‌های سفالین مه‌آلود»، از دیگر القاب است که به شهر زیبای رشت، کُرسی و مرکز سرزمین گیلان داده شده است (فروچی، رشت شهر ستاره، ۵). این شهر دوران پر فراز و نشیب و رو به رشدی از آغاز شکل‌گیری تا پایان دوره قاجاریه طی کرده است. برخورداری از عوامل مطلوب جغرافیایی و تأثیر این عوامل در شکوفایی اقتصادی، عامل مهمی در توجه و تصرف رشت توسط دولت‌های خارجی، به ویژه روسیه، بود.

در وجه تسمیه و همچنین تاریخ تأسیس این شهر کهن، در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. برخی رشت را به معنای نیزه کوتاه و تیرانداز، رشتن یا رسیدن، ستاره، خاکروبه، گردوغبار، در گودی قرار گرفته، چیزی که از هم فروریزد، باران ریز و مداوم، جای پست و گود و نظایر اینها گرفته‌اند. همچنین تاریخ تأسیس آن را برخی بر اساس حروف ابجد، سال ۹۰۰ می‌دانند که با توجه به پیشینه تاریخی شهر، درست به نظر نمی‌رسد. در این نوشتار برآنیم تا از طریق ریشه‌شناسی واژه رشت، به تاریخ تأسیس این شهر و وجه تسمیه آن دست یابیم.

بررسی تاریخی شکل‌گیری هسته اولیه شهر رشت

یکی از ویژگی‌های جغرافیای سیاسی گیلان در گذشته، فقدان شهر بود. چنان‌که نویسنده «حدود العالم» نیز برای معرفی از سکونت‌گاه‌های گیلان صراحتاً به جای شهر، از واژه ده و ناحیه استفاده کرده است؛ چراکه شهر، به مفهوم واقعی در گیلان وجود نداشت. مردم گیلان در آبادی‌های پراکنده زندگی می‌کردند و معمولاً به صورت هفتگی

با تشکیل گوراب (بازار)، در یک نقطه گرد هم می‌آمدند و احتیاجات خود را رفع می‌کردند. فقدان شهر در گیلان، از یک سو به فقدان تمرکز قدرت در این محدوده جغرافیایی و از سوی دیگر به توان محیط طبیعی گیلان برمی‌گردد که به سبب سخاوت محیط طبیعی و فراهم بودن نیازهای اولیه، مردم گیلان نیازی به ذخیره‌سازی انبوه و تدارک‌ساز و کار شهری نداشتند.

بر اساس منابع تاریخی، چنین به نظر می‌رسد که رشت نیز بسان دیگر نواحی گیلان، مجموعه‌ای از آبادی‌های کوچک و نزدیک به هم بود. این آبادی‌ها در قرن هشتم به تدریج رشد کرده، به هم پیوند خوردند و آبادی رشت را به وجود آوردند. هسته مرکزی این آبادی، تربت استاد جعفر بود که مورد احترام اهالی گیلان بوده است؛ چراکه بیشتر مردم رشت به سبب ارشادات او مسلمان شده بودند. پیرامون تربت او، مسجد، بازار و میدان بزرگی شکل گرفته بود که به نظر می‌رسد هسته اولیه شهر رشت باشد (زوزنی به نقل از کاشانی، ۵۶ و ۵۸؛ اصلاح عربانی، ۵۰۱/۴-۵۰۲). با توجه به نوشته روی قبر، که متعلق به دوره شاه‌عباس اول صفوی است و تاریخ ۱۰۰۹ ه.ق روی آن حک شده، این قبر منسوب به سید ابوجعفر، پسر خاله پیامبر ﷺ و برادر رضاعی امام حسن مجتبی ﷺ (Rabino, 75-76) و به روایتی (فراهانی، ۳۹) استاد جعفر از فرزندان امام موسی کاظم ﷺ است.^۱ عبدالفتاح فومنی، صاحب این قبر را استاد جعفر نامیده و معتقد است که این محله را به نام او، استادسرا نامیده‌اند (فومنی، ۲۶۹). ظهیرالدین مرعشی، پیش از او به محلی با نام وستاسرا (استادسرا) اشاره کرده و نوشته است که قبر کارکیا سیدناصر کیای لاهیجی در آن‌جا قرار دارد (مرعشی، ۲۵۶).

در پیدایش، شکل‌گیری و گسترش رشت، همانند سایر شهرهای گیلان، عوامل طبیعی و انسانی اثرگذار بوده است. منظور از عامل طبیعی، گذرکردن دو رود به نام‌های گوهررود و زرجوب (صیقلان رود) از میانه شهر رشت است که بی‌تردید این دو رود

۱. قبر استاد جعفر در زمان استانداری سرلشکر آیرم، برای ساختن ساختمان شهرداری رشت تخریب شد؛ تا این‌که قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش، در دوران شهرداری عبدالله شیرخانی، با کسب نظر مطلعین، محل مقبره مشخص و بازسازی گردید که هم‌اکنون در داخل محوطه شهرداری رشت قرار دارد (حیبی، ۱۲۴/۵؛ اصلاح عربانی، ۵۰۲/۴).

برای ساکنان آن ناحیه اهمیت فراوانی داشت و علت اصلی پیدایش هسته اولیه شهر رشت بود. شاید رشت بازار، بین این دو رود و در دو سوی آن برپا می‌شد. بسیاری از محلات دیرین رشت، همچون صیقلان، ساغریسان، کیاب، چمارسرا و نظایر آن در پیرامون این دو رود جای گرفته‌اند. از همین رو، این دو رودخانه را باید از عوامل اصلی پیدایش و شکل‌گیری رشت در روزگاران کهن دانست. منظور از عوامل انسانی، کارکرد چند عامل نظیر عوامل ارتباطی، اقتصادی و اعتقادی در شکل‌گیری هسته‌های شهری رشت است (کشوردوست و فاخته جوبنه، ۹۶).

بنا بر نظر برخی گیلان‌شناسان، بنای اولیه رشت به صورت یک آبادی با بافت روستایی، به شهادت برخی اسناد تاریخی، به قبل از میلاد مسیح و به قوم گیل و دیلم نسبت داده می‌شود (اصلاح عربانی، ۴/۴۸۹). با توجه به این‌که رشت در مرکز جلگه گیلان قرار گرفته بود، استعداد زیادی برای رشد و توسعه داشت؛ اما چون تا قرون میانه اسلامی به علت آشفتگی‌های سیاسی منطقه، بیشتر شهرهای مهم گیلان برای برخورداری از امنیت در کوه‌پایه‌ها قرار داشتند (Bromberger, 2011, s.v. "RASHT", *IRANICA*) آبادی رشت چندان مورد توجه قرار نگرفته بود.

نخستین گزارش درباره این آبادی، متعلق به «التاجی» (تألیف ۳۶۸ ه.ق) و «حدود العالم» (تألیف ۳۷۲ ه.ق) است. در هر دو گزارش، رشت صرفاً به صورت یک ناحیه و نه یک آبادی مشخص، معرفی شده است (ابواسحاق صابی، ۱۴؛ حدود العالم، ۱۴۹). رشت در این گزارش‌ها، یکی از نواحی یازده‌گانه کرانه‌های غربی سپیدرود واقع در گیلان بوده است؛ محدوده‌ای که دست‌کم از سده نهم هجری به این سو، بیه‌پس یا گیلان بیه‌پس نام گرفته است (سمرقندی، ۲۴/۱). با این همه، اگر مراد از «قریه الرصد» در کتاب «احسن التقاسیم» مقدسی (۳۷۳)، چنان‌که محمد قزوینی (۵/۲۶-۲۷) حدس زده است، همان رشت (رشت) باشد، می‌توان به وجود روستای رشت هم در سده چهارم اطمینان یافت. اطلاع بعدی از رشت، در «تاریخ اولجایتو»، (تألیف کاشانی) است که بر اساس آن، رشت در سال‌های نخستین سده هشتم، شهری آباد بود و در کنار میدان بزرگ آن، مسجد و نیز تربت استاد ابوجعفر (استاد جعفر) برپا بود که بیشتر اقوام گیلان به ارشاد او مسلمان شده بودند. اولین گزارش جامعی که در آن از رشت به

عنوان یک آبادی مستقل یاد شده، مربوط به حمله مغول به گیلان است. در سال ۷۰۶ ه.ق فردی به نام شرف‌الدین از خاندان تجاسبی بر رشت حکمرانی داشت. او به همراه سایر حاکمان محلی گیلان، در برابر حمله اولجایتو (حک، ۷۰۳-۷۱۶) مقاومت کرد (زوزنی به نقل از کاشانی، ۵۸، ۶۵-۶۶؛ رابینو، ۱۵۴). پس از شرف‌الدین، حکومت به فرزندش امیره محمد تجاسبی رسید که از مهم‌ترین حاکمان گیلان در آن زمان بود (سمرقندی، ۹۹۷/۲). رشت در آن ایام، از شهرهای گیلان به شمار می‌رفت (دمشقی، ۲۹۷) و «مردمش کوهی و بی‌تمییز بودند» (حمدالله مستوفی، ۱۶۲-۱۶۳). چنین تعبیری می‌تواند بیانگر تازه‌تأسیس بودن رشت باشد. زوزنی نیز در همان دوره، رشت را از نواحی گیلان غربی برشمرده و گزارش می‌دهد که رشت دارای بازار، مسجد و میدان بزرگی است (زوزنی به نقل از کاشانی، ۵۷ و ۵۹).

در سایر منابع جغرافیایی نیز گزارش خاصی تا قرن نهم از رشت در دست نیست. با این حال، تاریخ آبادی رشت با خاندان تجاسبی گره خورده است. این خاندان از اوایل سده هشتم تا نیمه دوم سده نهم هجری با مرکزیت رشت بر نواحی اطراف آن حکمرانی داشتند. گستره فرمان‌روایی این خاندان، از غرب تا رودپسیخان و از جنوب تا کوهدم و از شرق تا کوچصفهان و لشت‌نشاء و از شمال به دریای خزر محدود می‌شد. خاندان تجاسبی، زیر سلطه خاندان اسحاقوندان^۱ بودند که با استقرار در فومن بر تمامی بیه‌پس (گیلان غربی) حکمرانی می‌کردند (زوزنی به نقل از کاشانی، ۵۷-۵۸؛ و نیز ر.ک: فاخته جوبنه، ۱۳۵؛ احسانبخش، ۱۲۰؛ کشوردوست و فاخته جوبنه، ۱۰۲).

از آغاز قرن یازدهم هجری که گیلان به تصرف صفویان درآمد و با نام ایالت گیلان جزوی از ایران شد، حکومت‌های محلی گیلان برچیده شدند. در آن ایام، صفویان برای کنترل امیرنشین‌های گیلان، رشت را که به لحاظ جغرافیایی در مرکز جلگه گیلان (سفیدرود) قرار داشت، مرکز ایالت جدیدالتأسیس قرار دادند. سفیدرود با طول حدود

۱. اسحاقوندان یا اسحاقیان، خاندانی بودند که در قرون نهم و دهم قمری در بیه‌پس گیلان به پایتختی فومن حکومت می‌کردند. حسام‌الدین، علاء‌الدین و امیره دیاج (مظفرسلطان)، از پادشاهان این خاندان بودند. این خاندان سنی شافعی، بنا به گفته اسکندرمنشی انتسابشان به اسحاق نبی می‌رسد؛ اما رشیدالدین فضل‌الله معتقد است که آنها نسب خود را به ساسانیان می‌رسانند (اسکندر منشی، ۴۶۰/۲؛ رابینو، ۱۴۱ و ۱۴۶).

۱۴۰ کیلومتر، پس از عبور از رستم‌آباد به بخش سنگر شهرستان رشت می‌رسد و از آن‌جا به تدریج بر پهنه بستر آن افزوده می‌شود. مسیر این رود از ابتدا کوهستانی است و در امامزاده هاشم از منطقه کوهستانی خارج شده، وارد جلگه می‌شود و در نهایت به دریای خزر می‌ریزد (ر.ک: افشین، ۱۱۹/۲-۱۲۰؛ جعفری، ۲۷۳/۲-۲۷۵). بیشتر محدوده شهرستان رشت در این جلگه واقع شده است و تنها بخش کوچکی از جنوب آن، به کوه‌ها و تپه‌های جنگلی کم‌ارتفاعی نظیر امامزاده هاشم ختم می‌شود (اصلاح عربانی، ۴۸۱/۴).

با توجه به جغرافیای طبیعی و اقتصادی شهر رشت، از جمله مرکزیت آن در جلگه گیلان، آب و هوای مرطوب و بارانی و همچنین با استفاده از تاریخ تأسیس و تاریخچه کهن شهر، می‌توان به نقد و بررسی نظرات مشهور درباره وجه تسمیه این شهر پرداخت و از این طریق نظرات موثق و معتبر را برگزید.

وجه تسمیه رشت

ریشه‌شناسی (Etymology) یا علم اشتقاق، علم مطالعه تاریخی واژه‌ها می‌باشد. تیمولوژی واژه‌های یونانی است که از زبان لاتین به زبان فرانسوی راه یافته است (ابوالقاسمی، ۱۱). مسائلی مانند این‌که واژگان مورد نظر، از چه موقع وارد زبانی شده‌اند، از چه منبعی وارد شده‌اند و این‌که در طول زمان چه تغییری در ساختار (فرم) و معنای آنها ایجاد شده است، در این حیطه بررسی می‌شود. علمای قدیم در نوشته‌های خود گاهی با ذکر «وجه تسمیه» و «وجه اشتقاق» به شرح واژه‌ها می‌پرداختند. مقصود علمای قدیم از وجه تسمیه و وجه اشتقاق، ریشه‌شناسی بوده است (ابوالقاسمی، ۵۷). به‌رغم گفته‌های مستقیم و غیرمستقیم برخی از محققان، هرگز نباید ریشه‌شناسی را با معنی‌شناسی یکی دانست. هدف اصلی ریشه‌شناسی این نیست که معانی واژگان یک زبان را، چه در حال و چه در ادوار گذشته، تعیین کند، بلکه پژوهش‌های ریشه‌شناسی، علاوه بر جست‌وجوی مفاهیم واژه‌ها در مراحل متعدد، در پی آن است که با بررسی عناصر تشکیل‌دهنده یک واژه، صورت نخستین و معنای اولیه آن را به دست دهد. در ریشه‌شناسی، شناخت دگرگونی‌های معنایی الفاظ به همان میزان شناخت تحولات

آوایی اهمیت دارد (سرکاراتی، ۳۷-۳۸).

در مورد معنای لغوی و اصطلاحی واژه رشت، بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. درباره این واژه و معانی آن، بحث‌های زیادی از سوی نویسندگان و گیلان‌شناسان صورت گرفته است. فرهنگ‌نویسان، معانی مختلفی برای این واژه آورده‌اند که در مورد شهری با ویژگی‌های رشت همخوانی ندارد و صرفاً درباره معنای لغوی واژه رشت است (نیکویه، ۱۱۹). هریک از واژه‌نویسان، واژه «رشت و رشتی» را با توجه به فرهنگ محیط زندگی خود معنا کرده‌اند و کاربرد این واژه‌ها در آن معنای خاص، علی‌القاعده باید مربوط به محیط جغرافیایی خود آنان بوده باشد؛ زیرا به کارگیری لغات، اصولاً متناسب با محیط زندگی است. از این رو، برای رسیدن به معنا و مفهوم و کاربرد هر واژه، باید در استفاده از فرهنگ‌ها دقت کرد (ضیاءپور، ۱۰).

درباره وجه تسمیه واژه رشت، میان محققان اختلاف نظرهای چشمگیری وجود دارد. برخی (ضیاءپور، ۱۰-۱۱) بر پایه تحقیقات زبان‌شناسی واژه‌های RŠti در هندی باستان، ArŠti در اوستا و فارسی باستان، ArŠt در پهلوی و Asteay در ارمنی، به معنای نیزه و زوبین هم‌ریشه و هم‌معنا با واژه خشت (=xist) و همانندهای آن می‌دانند. این محققان با نظر به این واژه‌ها که ریشه لغوی یکسانی دارند، رشت و رشتی را به معنای نیزه کوتاه و تیرانداز معنا کردند و کوشیده‌اند گزارش‌هایی را که درباره جنگاوری قوم گیل و دیلم در منابع قدیم و تحقیقات جدید آمده (حدود العالم، ۱۴۳ و ۱۴۸؛ مقدسی، ۳۶۰؛ پیگلوسکایا و دیگران، ۲۰۶)، شاهی بر این معنا قلمداد کنند. برخی نیز واژه رشت را با واژه رشتن یا رسیدن هم‌ریشه می‌دانند و باورشان بر این است که چون این جایگاه از روزگاران پیشین، کانون مهم فراوری و دادوستد ابریشم بوده، به این نام خوانده شده است (کشوردوست و قربان‌فاخته، ۹۵؛ فروحی، رشت شهر ستاره، ۱۱-۱۲). برخی دیگر با اتکا بر وجود مشابهت‌های ظاهری میان واژه رشت و آست به معنای ستاره و با در نظر گرفتن باور قدیم گروهی از ایرانیان به ستاره‌پرستی و نیز با استناد به وجود شهرها و مکان‌هایی با ترکیب ستاره در نواحی شمال ایران، مانند استرآباد و آستارا و نظایر اینها، کوشیده‌اند واژه رشت را هم‌پیوند با واژه ستاره بگیرند (فروحی، رشت شهر ستاره، ۱۴-۱۷؛ فروحی، هشت نوشتار، ۸۶؛ ضیاءپور، ۱۰-۱۱). در

لغت‌نامه‌های عمومی، رشت به معنای خاکروبه، گرد و غبار، لجن، گچ و نظایر اینها آمده است (برهان، ۹۵۱/۲؛ معین، ذیل واژه «رشت»؛ دهخدا، ذیل واژه «رشت») که چندان با ویژگی‌های این شهر سازگاری ندارد. چنان‌که در شعر فرالای: «چون نباشد بنای خانه درشت / بی‌گمانم که زیر رشت آید» (نخجوانی، ۴۵؛ نیکویه، ۱۱۹؛ فروحی، رشت شهر ستاره، ۶-۷) به معنای خاکروبه و گرد و غبار استفاده شده است (نخجوانی، ۴۵؛ نیکویه، ۱۱۹؛ فروحی، رشت شهر ستاره، ۶-۷).

برخی، واژه رشت را تاریخ بنای این شهر به حروف ابجد دانسته‌اند و معتقدند این شهر در سال ۹۰۰ بنا شده است؛ چراکه جمع اعداد حروف رشت (ر=۲۰۰، ش=۳۰۰، ت=۴۰۰)، ۹۰۰ می‌شود (فرهاد میرزا، ۳۷۰-۳۷۶؛ نایب‌الصدر شیرازی، ۳۷-۳۹؛ ملگونوف، ۱۸۶؛ فراهانی، ۳۷؛ دولت‌آبادی، ۱۳/۳؛ دهخدا، ذیل واژه «رشت»؛ لاهیجانی، ۲۲۵؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ۱۹۱/۱۶). علی‌اکبر نفیسی (ناظم الاطباء) نیز معتقد است رشت نام شهر حاکم‌نشین ملک گیلان بوده است و گویند این کلمه، تاریخ بنای این شهر است؛ زیرا این شهر در سال نهصد هجری بنا شده است. وی جاروب و کسی که لجن پاک می‌کند و پستی و حقارت و فروتنی و خاکساری را از معانی رشتی دانسته است (نفیسی، ۱۶۵۷/۳). این تاریخ‌گذاری با گزارش‌های منابع (حدود العالم، ۱۴۹؛ زوزنی به نقل از کاشانی، ۵۷- و ۶۶؛ دمشقی، ۲۹۷؛ حمدالله مستوفی، ۱۶۲) که پیش از قرن نهم در مورد آبادی‌ای با نام رشت سخن گفته‌اند، سازگار نیست. حتی اگر بخواهیم مبنای این تاریخ‌گذاری را انتخاب این شهر به دستور شاه عباس (حک، ۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) به عنوان مرکز گیلان در نظر بگیریم، باز هم درست نخواهد بود؛ چراکه این انتخاب در ۱۰۰۴ ه.ق صورت گرفته است (نیکویه، ۱۲۱).

سرتیپ‌پور در کتاب «نام‌ها و نامدارهای گیلان»، درباره معنای رشت می‌نویسد: «معنی رشت به فتح اول، در فروافتاده، در گودی قرار گرفته، یا جای فرودین، صفتی بود برای هفته‌بازار رشت و حومه که روزهای یکشنبه در شهر رشت تشکیل می‌شد

۱. ابو عبدالله محمدبن موسی، شاعر قرن چهارم شناخته شده به فرالای شاعر ایرانی همدوره با شهید بلخی است. رودکی از او و شهید یک‌جا چنین یاد می‌کند: شاعر شهید و شهره فرالای / واین دیگران به جمله همه راوی (دبیر سیاقی، ۱۹۲).

(سرتیپ پور، ۲۱۹-۲۲۰؛ نیکویه، ۱۲۳). صفت «رشت بازار» به این دلیل بود که مسافری که از بخش‌های جنوبی، مانند کهدم و رودبار، یا از مناطق غربی، مانند فومن، و یا از مناطق شرقی، مانند لاهیجان به سوی رشت حرکت می‌کرد، از منطقه‌ای بلندتر به ناحیه‌ای که در سطح پایین قرار داشت سرازیر می‌شد. تدریجاً بازار از آخر نام حذف شد و رشت عَلم شد (سرتیپ پور، ۲۱۹-۲۲۰؛ اصلاح عربانی، ۴۹۰). واژه رشت در مفهوم جای پست و گود، در جاهای دیگر گیلان نیز به کار رفته است؛ مثل رشت بیچار به معنای برنج‌زار، یا رشت‌رود یا رشت‌خان به معنای رودی که در گودی در جریان است (حبیبی، ۱۱۳). با توجه به پیشینه تاریخی این آبادی، به نظر می‌رسد واژه رشت صفت بازاری بوده که در آن محل تشکیل می‌شده است و رشت بازار به معنای بازاری است که در گودی قرار گرفته باشد.

ویژگی آب و هوایی رشت، وجه تسمیه دیگری از این شهر را پیش چشم محققان نهاده است؛ چنان‌که مهدی‌زاده با توجه به شهرت و مقبولیت نظر پیشین در بین گیلان‌شناسان (سرتیپ پور، ۲۱۹-۲۲۰؛ اصلاح عربانی، ۴۸۹/۴)، معتقد است که رشت از نظر لغوی چنین بار معنایی را با خود به همراه ندارد و این فقط یک ارتباط منطقی و ذهنی بین موقعیت جغرافیایی این شهر با شهرهای اطراف آن است. وی با استفاده از زبان‌شناسی گویش گیلکی، معتقد است رشت از نظر لغوی، واژه‌ای مرکب از رَش+ت و به معنای باران ریز و مداوم است که خصوصیت اصلی و بارز این شهر پرباران و سرسبز به شمار می‌رفته است. وی قبل از ارائه نظریه خود، به نقل از منوچهر هدایتی خوشکلام، از محققان و ادبای محلی، رشت را برگرفته از واژه اوستایی تیشتر (الهه باران) آورده است (مهدی‌زاده، ۳۲). این نظر با توجه به بارانی بودن شهر رشت، قابل طرح است؛ چراکه فرهنگ کنونی ایرانیان و به‌ویژه گیلانیان، از فرهنگ‌های پیش از اسلام نیز یادگارهایی را حفظ نموده است که نمونه‌های زیادی از آن در فولکلور و آداب و سنن مردم گیلان قابل مشاهده و نشان از دیرینگی تمدن و فرهنگ این دیار است (نیکویه، ۱۲۴؛ مهدی‌زاده، ۳۲).

دو نظر اخیر که یکی برگرفته از تحلیل تاریخی آبادی این شهر است و آن را به معنای در گودی قرار گرفته می‌داند و دیگری برگرفته از آیین‌های کهن و باستانی است

و با استفاده از زبان‌شناسی گویش‌های گیلکی به دست آمده و رشت را به معنای شهر باران می‌داند، از دیگر وجه تسمیه‌ها موجه‌تر به نظر می‌رسند.

نتیجه

برخلاف نظر مشهور، رشت یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کرانه جنوبی دریای خزر است. در کهن‌ترین منابع جغرافیایی از قرن چهارم هجری بدین سو، نام رشت بارها ذکر شده است. این‌که برخی رشت را ماده‌تاریخ تأسیس آن شهر دانسته و قدمت آن را از قرن نهم هجری آورده‌اند، با اسناد و شواهد تاریخی سازگار نیست. این شهر در قرن هشتم هجری در دوره اسحاقوندان شهرت یافت و از دوره صفویه که به مرکزیت گیلان ارتقاء یافت، به اوج شکوفایی رسید.

در مورد وجه تسمیه رشت نیز بین صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد. با توجه به موارد گفته‌شده در متن مقاله، دو نظر، یکی برگرفته از تحلیل تاریخ تأسیس هسته اولیه شهر رشت، و دیگری که با استفاده از زبان‌شناسی گویش‌های گیلکی گرفته شده است، موجه‌تر به نظر می‌رسند. با توجه به پیشینه تاریخی این آبادی، به نظر می‌رسد واژه رشت صفت بازاری بوده که در آن محل تشکیل می‌شده و «رشت بازار» به معنای بازاری بود که در گودی قرار داشت. از سوی دیگر، زبان‌شناسان معتقدند رشت از نظر لغوی واژه‌ای مرکب از رَش+ت و به معنای باران ریز و مداوم است که خصوصیت اصلی و بارز این شهر پرباران و سرسبز به شمار می‌رفته است. در همین راستا نیز برخی رشت را برگرفته از واژه اوستایی تیشتر (الهه باران) دانسته‌اند. به هر روی، این دو وجه تسمیه که ناظر به وضع جغرافیایی این شهر نیز هست، از اعتبار بیشتری برخوردارند.

منابع

- ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی، مسالك الأبصار فی ممالک الأمصار، ابوظبی: المجمع الثقافي، ۱۴۲۴ق.
- ابوالقاسمی، م، ریشه‌شناسی (تیمولوژی)، تهران: ققنوس، ۱۳۸۹ش.
- احسان‌بخش، صادق، دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، رشت: نشر صادقین، ۱۳۸۰ش.
- مهدی‌زاده، احمد، «پژوهشی در معناشناسی لغوی رشت»، فرهنگ گیلان، سال پنجم، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۸۲.
- اسکندر منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- اصلاح عربانی، ابراهیم، کتاب گیلان، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۸۷ش.
- افشین، یدالله، رودخانه‌های ایران، تهران: وزارت نیرو، ۱۳۷۳ش.
- برهان، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۲ش.
- پیگلسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۶۳ش.
- جعفری، عباس، گیتاشناسی ایران، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۶۸-۱۳۷۹ش.
- حبیبی، حسن، شهرهای ایرانشهر، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۱ش.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.
- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، تصحیح گی لسترنج، تهران: چاپ افست، از روی لیدن ۱۹۱۵م، ۱۳۶۲ش.
- دبیر سیاقی، محمد، پیشاهنگان شعر پارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱ش.
- دمشقی، محمد بن ابی طالب، نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، بیروت: دار صادر،

۱۴۰۸ق/۱۹۹۸م.

- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران: عطار، ۱۳۷۱ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- رابینو، ه.ل، فرمانروایان گیلان، مجموعه چهارگفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، ترجمه م. جکتاجی و رضا مدنی، رشت: گیلکان، ۱۳۶۴ش.
- ستوده، منوچهر، از آستارا تا استارباد، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹ش.
- سرتیپ پور، جهانگیر، نام‌ها و نام‌دهی‌های گیلان، رشت: نشر گیلکان، ۱۳۷۰ش.
- سرکاراتی، بهمن، «درباره فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن»، نامه فرهنگستان، شماره ۱۳، ۱۳۷۸ش.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعیدین و مجمع بحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- صابی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال، «التاجی فی اخبار الدوله الدیلمیه»، اخبار ائمه الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان، چاپ قیلفرد مادیلونخ، بیروت: دار النشر فرانتس، ۱۹۸۷م.
- ضیاءپور، جلیل، «وجه تسمیه شهر رشت»، گیله وا، سال دوم، شماره ۲۹-۳۰، ۱۳۷۳.
- فاخته جوبنه، قربان، نگاهی به گیلان زمین، تهران: لوح زرین، ۱۳۸۷ش.
- فراهانی، محمدحسین بن مهدی، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، تهران: فردوسی، ۱۳۶۲ش.
- فرهاد میرزا، سفرنامه فرهادمیرزا، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۶ش.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، رشت: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۱ش.
- فروحی، حمید، رشت شهر ستاره (پژوهشی در معنای لغوی رشت)، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۷۲ش.

- فروحی، حمید، هشت نوشتار: درباره تاریخ و فرهنگ و زبان گیلان و ایران، رشت: حرف نو، ۱۳۹۱ش.
- فومنی، عبدالفتاح، تاریخ گیلان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ش.
- قزوینی، محمد، یادداشت‌های قزوینی، تصحیح ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.
- کاشانی، عبدالله بن محمد، تاریخ اولجایتو، تصحیح مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- کشوردوست، علیرضا و فاخته جوبنه، قربان، گیلانشهرها، رشت: وارسته، ۱۳۸۵ش.
- لاهیجانی، محمد مهدوی سعیدی، جغرافیای گیلان، نجف: النعمان، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.
- مرعشی، سید ظهیرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ افسست، از روی چاپ دخویه، لیدن ۱۸۷۷م، ۱۹۶۷م.
- ملگونوف، گریگوری ولریانوویچ، سفرنامه ایران و روسیه، ترجمه پطرس، تصحیح محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش.
- نایب‌الصدر شیرازی، «سفرنامه مکه»، سفرنامه‌های خطی فارسی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۸ش.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه، صحاح الفرس، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱ش.
- نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، بی‌جا: کتابفروشی خیام، چاپ افسست مروی، ۱۳۶۴ش.
- نقشه سیاحتی و گردشگری استان گیلان، مقیاس ۱:۳۰۰۰۰۰، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۹۰ش.
- نقشه سیاحتی و گردشگری شهر رشت، مقیاس ۱:۱۰۰۰۰، مؤسسه جغرافیایی و

کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۹۳ش.

- نیکویه، محمود، «وجه تسمیه و معانی رشت»، گیلان ما، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۴.
- Le strange, G. *The Lands of the Eastern Caliphate*, New York, Cambridge 1930.
- Bromberger, Christian, "RASHT", Encyclopedia IRANICA, (www.iranicaonline.org).
- Olearius, *The voyages and travells of the ambassadors sent by Frederick, Duke of Holstein, to the great Duke of Muscovy and the king of Persia*, London 1669.
- Rabino H. L, *Les Provinces Caspiennes, De La Perse Le Guilan*, paris, 1917.